

عنوان مقاله:

واکاوی رویکرد روان شناختی تصوف در پژوهش های شرق شناسان

محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی، دوره 13، شماره 24 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

امیر پوررستگار - دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

محمدیوسف نیری - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

خلاصه مقاله:

تمرکز بر نفس و خودشناسی و نیز توجه به من قدسی، ازجمله موضوعاتی است که عرفان و تصوف را با روان‌شناسی پیوند می‌دهد. تصوف پژوهان غربی در مواجهه با متون عرفانی، از مطالعات تطبیقی، رویکردها و روش های پژوهشی متنوعی بهره برده‌اند. یکی از دانش ها و ابزاری که این پژوهشگران در بررسی و تحلیل های عرفانی خود استفاده کرده‌اند، روان‌شناسی است. شرق‌شناسان به کمک بن مایه های روان‌شناختی و روان‌کاوی موجود در متون صوفیانه، رهیافتی نوین در تصوف پژوهی ارائه کرده‌اند. مبنای پژوهش حاضر، واکاوی و نقد آثار ترجمه شده تصوف پژوهان غربی است که با رویکردی روان‌شناختی به عرفان و تصوف نگریسته‌اند. با غوررسی در پژوهش های آنان آشکار می‌شود که ضمیر ناخودآگاه، نماد و مسئله تاویل، به همراه زمینه «فردیت» در نظام روانی یونگ، توجه به «من شکوفا» در روان‌شناسی کمال و تکیه بر اصل تمرکز در نیایش عرفانی، از مهم‌ترین رویکردهای روان‌شناختی پژوهش های عرفانی شرق‌شناسان است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که تمرکز بر فرایند «ذکر» و «مراقبه» صوفیانه و تلاش عارف برای نیل به من ملکوتی، سهم قابل توجهی از پژوهش‌های شرق‌شناسان را به خود اختصاص داده است. فهم و غرض تصوف پژوهان از رویکرد روان‌شناسی و روان‌کاوی عرفان، لزوماً و مطلقاً، روان‌شناسی نوین و مکاتب روان‌درمانگر سده‌های متاخر نیست، بلکه عمده کوشش آنان - به تبع تمرکز عرفای ایرانی بر نفس- بیشتر گرایشی «نفس پژوهانه» دارد. از سوی دیگر، آنان در بخش اندکی از پژوهش های خود به تطابق آموزه های عرفانی با مکاتب نوین علم روان‌شناسی باور دارند و از این رهگذر به تحلیل و نقد آن نیز برخاسته‌اند.

کلمات کلیدی:

عرفان و تصوف، شرق شناسی، روان شناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1266384>

